

## ولی فقیه ترسان، چه کسی را می ترساند؟

### ارژنگ بامشاد

اوج گیری و تداوم مبارزه جوانان، نوجوانان و مردم سراسر کشور با شعار «مرگ بر طالبان»، از آن چنان گسترده گی و اهمیتی برخوردار است که دیگر نه تنها نمی توان آن را با توطئه سکوت خنثی کرد، بلکه هر نیرو و جریانی نیز مجبور است در قبال آن موضع بگیرد و سخنی بگوید. گسترش و تداوم این مبارزه بر متن شرایط جهانی ای که منطقه را فراگرفته است، ترسی آزار دهنده در تن ولی فقیه رژیم و دستگاه ولایت و مجموعه ی طرفداران حکومت دینی و اسلامی در کشور به وجود آورده است. اما علیرغم این ترس کاملاً مشهود، علی خامنه ای، ولی فقیه رژیم در سخن رانی روز سه شنبه ۸ آبان در میدان امام شهر اصفهان، تلاش کرد تا جوانان و مردم کشور را بترساند. او در این سخن رانی که محورهای گوناگونی داشت از جمله گفت: «دشمن با بزرگ نمایی برخی حرکات محدود تلاش می کند جوانان مؤمن و پر نشاط ایران را بی ایمان نشان دهد اما این اشتباهی بزرگ است چرا که امروز هم اگر ملت ایران احساس خطر کند، تعداد جوانان فداکاری که برای خدا، نظام اسلامی و منافع ملت سینه سپر می کنند، یقیناً بیشتر از دوران دفاع مقدس است. ما جوانان مؤمن و مخلص را از مقابله با این کج روی ها منع کرده و می کنیم و در غیر این صورت جوانان پرشور ما حساب این افراد معدود را تسویه می کردند».

این سخنان خامنه ای، از آن رو ایراد شده است که از یک سو با کم اهمیت جلوه دادن و معدود دانستن شمار تظاهرکنندگان ضدحکومتی، روحیه بسیجی ها و حزب الهی های جیره خوار دستگاه ولایت را تقویت کند و از دیگر سو جوانان و مردم را بترساند. اما در هر دو این هدف ها با شکست مفتضانه ای روبرو شده است. زیرا حزب الهی ها و طرفداران دستگاه ولایت که تظاهرات میلیون ها جوان و نوجوان و مردم را پس پیروزی تیم ملی فوتبال ایران بر تیم ملی فوتبال امارات به چشم دیدند، نمی توانند این جمعیت عظیم را که شعارهای ضدحکومتی سر می دادند را عده معدودی کج رو بدانند. و خود خامنه ای و یارانش نیز می دادند که، جنبش در حال رشد کنونی، حرکت عده ی معدودی کج رو نیست بلکه بیان ابراز نارضایتی توده های وسیع مردم است که سر ولی فقیه و حکومت اسلامی را هدف گرفته اند. از سوی دیگر، جوانان و نوجوان و مردم، در هر دور تظاهرات، با هزاران نیروی سرکوب گر، از نیروی انتظامی و بسیج تا نیروهای امنیتی و "امت حزب الله" روبرو بوده اند و نشان داده اند که دیگر نه از دستگاه عریض و طویل سرکوب حاکمیت اسلامی می ترسند و نه از زندان و شکنجه و محرومیت از آزادی های فردی و اجتماعی.

به دیگر سخن مردمی که کارد به استخوان شان رسیده و برای آزادی و عدالت حاضرند از جان مایه بگذارند، را دیگر هیچ نیرویی نمی تواند متوقف کند. اگر خامنه ای و یارانش فکر می کنند می توانند با همان تاکتیک سرکوب گرانه ی ۲۳ تیر ۷۸ به عمر این جنبش پایان دهند، در پنداری باطل گرفتار آمده اند. ابعاد نارضایتی و نفرت کارگران، زحمت کشان، زنان، خلق های تحت ستم و جوانان این کشور، به حدی است که انفجار آن، پایه های حکومت اسلامی را در هم خواهد شکست. و نباید فراموش کرد که تداوم این مبارزات رو به رشد، به تدریج شکاف در میان نیروهای سرکوب را نیز به دنبال خواهد داشت و بسیاری از کسانی که امروز تفنگ در دست گرفته اند و از منافع مافیای قدرت دستگاه ولایت حراست می کنند، وقتی به صورتی روزمره در مقابل مردم و جوانان قرار گیرند، متوجه خواهند شد که سینه ی خواهران و برادران خود را نشانه رفته اند. و همین آگاهی اولیه آن ها را به فکر و خواهد داشت و دستگاه سرکوب رژیم را در رودرویی با مردم متزلزل خواهد ساخت. پس این تصور خامنه ای که جوانان حزب الهی ای را یارای مقاومت در برابر موج توفنده اعتراضات و تظاهرات جوانان و مردم خواهد بود، توهمی عبث است که دیر یا زود زیر ضربات واقعیت های کوبنده جاری در کشور در هم خواهد شکست.

جنبش کنونی ریشه در اعماق دارد و این جنبش را نمی توان با تهدیدات مضحک به عقب نشینی واداشت. خامنه ای برای پوشاندن ترس مرگی که بر جان حکومت دینی افتاده، تلاش می کند مردم و جوانان را بترساند. اما صدای تیز این شیر بی یال و دم اشکم، از واقعیت دیگری خبر می دهد. ۱۱ آبان ۸۰-۲ نوامبر ۲۰۰۱